

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در پرتو اصول بنگلور

مجتبی همتی*
غلامرضا داودی**

چکیده

اخلاق قضایی استاندارد ضروری سلامت قضایی است. اسناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به اخلاق قضایی، گواه این مدعاست. اصول بنگلور مهم‌ترین سند بین‌المللی است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. هدف از این اصول، تبیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضات به منظور انجام هرچه بهتر وظایف قضایی و ایجاد یک چهارچوب منسجم برای نظام بخشی رفتار قضایی است. از طرف دیگر کتب فقهی اسلامی، حاوی شرایط قضات و نیز شرایط سلبی و ایجابی قضاوت است. مشکل اصلی، پراکندگی آن‌ها در کتب فقهی مختلف و نبود یک سند جامع اصول رفتار قضایی است. نظام قضایی ایران از لحاظ وجود سندی که بیان‌کننده ارزش‌های حاکم بر رفتار قضایی باشد با خلأ مواجه است و ایده‌های مندرج در سند بنگلور و نیز آموزه‌های فقهی می‌تواند الهام‌بخش تدوین سند اخلاق قضایی در

* استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران (نویسنده مسئول)

Mhemmati۱۳۵۸@yahoo.com

davoudi8001@gmail.com

** دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه آزاد شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۷

این زمینه باشد.

واژه‌های کلیدی: اخلاق قضایی، اصول بنگلور، نظام قضایی ایران، حقوق اسلامی، نظام قضایی آمریکا، نظام قضایی چین.

۱. مقدمه

آموزه‌های رفتاری از اساسی‌ترین نیاز سازمان‌های امروزی است. در حوزه قضا و دادگستری شاخص‌های رفتاری اهمیتی دوچندان می‌یابد. اولین سندی که در سطح بین‌المللی به بیان استانداردهای رفتاری قضات پرداخت، منشور جهانی قضات بود که در سال ۱۹۹۹ در نشست شورای مرکزی انجمن بین‌المللی قضات تصویب شد. به لحاظ آرمان عدالت‌خواهانه تمام نظام‌های حقوقی، مشاهده می‌شود که نظام‌های قضایی جهان خود را بی‌نیاز از قواعد رفتاری نمی‌دانند و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا، معیارهای رفتاری قضات را تبیین نموده‌اند؛ خواه به صورت جامع در یک سند واحد یا به صورت پراکنده در قوانین گوناگونی که مربوط به نحوه عملکرد مقامات قضایی است. این مجموعه‌های رفتاری نه تنها برای قضات یک راهنمای مفید جهت تقویت عملکرد قضایی به حساب می‌آید، بلکه برای دستیاران دادگستری و تمام کسانی که به نحوی با قضات سر و کار دارند از جمله وکلاء، اصحاب دعوا و مقامات رسمی نیز می‌تواند سودمند واقع شود زیرا ایشان با آگاهی از معیارهای رفتاری قضات، می‌توانند از یک سو رفتار مورد انتظار از یک قاضی را شناسایی کنند و از دیگر سو، رفتار خود را با آن قاضی بر اساس معیارها، به نحو شایسته‌ای تنظیم نمایند.

به کارگیری روش‌های استاندارد شده جهانی مدیریت دادگستری نقش بسزایی در استقرار عدالت از طریق قوه قضائیه دارد. آگاهی از این استانداردها، جذب آن‌ها در قوانین و مقررات داخلی، زمینه‌سازی به منظور نهادینه شدن این استانداردها و ایجاد سازوکارها و ضمانت اجرای دقیق و شفاف گام مهمی در راستای توسعه قضایی است. در این نوشتار، ضمن بررسی، مبانی و ماهیت اصول رفتار قضایی مندرج در اسناد ملی و بین‌المللی، جایگاه این اصول در نظام قضایی داخلی تبیین می‌شود.

۲. مبانی نظری اخلاق قضایی

۲.۱. ضرورت استانداردهای رفتار قضایی

پذیرش عمومی تصمیمات و آراء محاکم و حمایت از آنها به اعتماد عمومی نسبت به سلامت و استقلال قضایی بستگی دارد. این امر، به نوبه خود، به پاسداشت معیارهای والای رفتاری در دادگاه بستگی دارد. از این رو استانداردهای رفتار قضایی، معیارهای ارزشمندی را به عنوان عنصر تضمین کننده سلامت و استقلال قضایی ارائه می‌دهند. وجود یک دستگاه قضایی برخوردار از سلامتی خدشه‌ناپذیر، اصلی بنیادین در راستای تحقق حاکمیت قانون است که ارزش‌ها و استانداردهای رفتار قضایی آن را تضمین می‌کند.

منشورها و کدهای اخلاقی و رفتاری در شکل‌گیری رفتار متصدیان قدرت، نقش مهم و اساسی دارد و مبنایی را به عنوان چارچوب رفتار مرجع فراهم می‌کند و بررسی و ارزیابی رفتارها را از سوی نمایندگان مردم به صورتی عینی امکان‌پذیر می‌سازد. این ارزش‌ها در متن سوگندهایی که قضات هنگام آغاز فعالیت یاد می‌کنند، مورد تصریح قرار می‌گیرند. (MacKay, 1995: 2).

ضرورت تعیین استانداردهای رفتاری مناسب برای منصب قضایی توسط یک قاضی بدین صورت تشریح شده است: هیچ‌کس تردید ندارد که از قضات انتظار می‌رود تا بر اساس معیارهای مشخصی هم در داخل و هم در خارج از دادگاه رفتار نمایند. اعمال اقتدار قابل ملاحظه، روز به روز به قضات سپرده می‌شود. اعمال این اقتدار، آثار چشمگیری بر زندگی و سرنوشت افرادی که نزد قضات می‌آیند، دارد. شهروندان نمی‌خواهند چنین اقتداری به فردی که درستکاری، لیاقت و سایر معیارهای فردی‌اش مورد تردید است، داده شود، لذا ضروری است که معیارهای رفتاری هم در داخل دادگاه و هم در خارج دادگاه وجود داشته باشد که در پاسخ به انتظارات شهروندان طراحی شده است (Thomas, 1998: 7).

قاضی که مجهز به استانداردهای رفتار قضایی است بهتر می‌تواند حافظ حقوق شهروندی باشد. در این رهگذر تضمین معیارهای مطلوب رفتار قضایی متوجه حکومت‌ها

است. مطلوب است که هر کد رفتاری یا مجموعه مشابه آنکه در بردارنده اصولی برای دستگاه قضایی است، توسط خود دستگاه قضایی تهیه و تدوین گردد. این امر مطابق با استقلال قضایی و تفکیک قواست. برای مثال در بسیاری از کشورها قوه مقننه و مجریه رفتار مورد انتظار و تکالیف اخلاقی اعضایشان را تنظیم می‌نمایند. در کشور ما مجموعه‌های گوناگون اخلاقی و رفتاری نظیر آئین اخلاق پرستاری، منشور اخلاقی و اداری کارکنان دولت، راهنمای اخلاق در پژوهش (کدهای ۲۶ گانه) نمونه‌هایی از اسناد اخلاقی مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ایرانی در حوزه‌های گوناگون است.

۲.۲. ویژگی‌های استانداردهای رفتار قضایی

۲.۲.۱. **عام و فراگیر بودن:** منظور از عام و فراگیر بودن استانداردهای رفتار قضایی آن است که رعایت آن‌ها محدود به نوع و شیوه خاصی از دادرسی یا قضات معینی نبوده و برخوردار از مناسبتی عام برای استفاده همه نظام‌های قضایی است و جامعه جهانی پایبندی به آن‌ها را از کلیه نظام‌های قضایی مطالبه می‌کند. کما اینکه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، در قطعنامه شماره ۲۰۰۶/۲۳ مورخ ۲۷ جولای ۲۰۰۶، تحت عنوان تقویت اصول بنیادین رفتار قضایی، از دول عضو خواست تا هماهنگ با نظام حقوقی ملی خود، دستگاه قضایی خود را ترغیب نمایند تا هنگامی که قواعد مربوط به رفتار حرفه‌ای و اخلاقی اعضای دستگاه قضایی را مورد بازنگری یا توسعه قرار می‌دهند، استانداردهای بین‌المللی رفتار قضایی، مندرج در سند بنگلور را مدنظر داشته باشند.

۲.۲.۲. **دائمی بودن:** دائمی بودن استانداردهای رفتار قضایی به این معنا است که مقید به زمان خاصی نبوده و تا زمانی که توسط اصلی جایگزین، منسوخ نگردیده، دارای اعتبار است و قانونگذار در مقام وضع قانون نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. به عنوان مثال هرگاه اصل استقلال قضایی را یکی از استانداردهای رفتار قضایی بدانیم، قانونگذار نمی‌تواند قوانینی را وضع نماید که در آن این اصل نادیده انگاشته شده باشد. تفاوت استانداردهای رفتار قضایی در نظام‌های قضایی ناشی از تفاوت زمینه‌های تاریخی، سیاسی، مذهبی، است که قضات در آن عمل می‌کنند. در این رابطه دیدگاه‌ها در آمریکای شمالی در مورد

آنچه سوء رفتار قضایی را تشکیل می‌دهد، ممکن است از دیدگاه‌ها در آفریقا، متفاوت باشد (MacKay, 1995: 7).

۲.۲.۳. ارزش بنیان بودن: منظور از ارزش بنیان بودن استانداردهای رفتار قضایی آن است که این استانداردها مبتنی بر منابع ارزشی نظیر اخلاق، مذهب، حقوق طبیعی و فرهنگ بومی هستند و رابطه تنگاتنگی میان این استانداردها و ارزش‌ها و هنجارهای کلی حاکم بر جامعه وجود دارد. از سوی دیگر، چالش‌هایی که هر قاضی با آن روبه‌رو است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، لذا مشاهده می‌شود که هر کد حاوی استانداردهای رفتاری مخصوص به خود است، هر چند که روح حاکم بر کلیه مجموعه‌های رفتار قضایی یکسان است. درست به همین دلیل است که در کدهای اخلاق و رفتار قضایی کشورهای گوناگون اصول مشابه زیادی وجود دارد که در واقع برخوردار از جاذبه‌ای عمومی است.

۳. ماهیت کدهای رفتار و اخلاق قضایی

کدهای رفتار قضایی (در موارد مختلف با عنوان اصول یا راهنما) در سطح نظام‌های قضایی یک پدیده نسبتاً جدید است. قبل از دهه ۱۹۷۰، کدهای مفصل رفتار قضایی تنها در ایالات متحده وجود داشت. بعد از دهه ۱۹۷۰، کدهای رفتار قضایی در برخی از کشورها که عمدتاً از نظام حقوق عرفی بودند، توسعه یافتند. برخی نظام‌های قضایی از کدهای اخلاقی و برخی دیگر از کدهای رفتاری جهت قاعده‌مند کردن رفتار قضات استفاده می‌کنند که این دو در محتوا تفاوتی با یکدیگر ندارند. تنها، کدهای اخلاقی عام‌تر از کدهای رفتاری‌اند. کدهای رفتاری، بیانگر استانداردهایی هستند که قضات باید آن‌ها را رعایت کنند. کدهای رفتاری همیشه مطابق با کدهای اخلاقی هستند؛ به عبارت دیگر کدهای رفتاری از کدهای اخلاقی مشتق می‌شوند. در برخی از نظام‌های قضایی، نقض کد ممکن است منجر به مجازات شود، از جمله در ایتالیا و ایالات متحده (هم در سطح فدرال و هم در سطح ایالتی). به عنوان مثال در کدهای رفتار قضایی ایالت‌های آمریکا اشاره شده است که بعضی از مقررات مطرح شده الزامی هستند و نقض آن‌ها می‌تواند

منجر به اقدام انتظامی علیه قاضی گردد و برخی دیگر از مقررات جنبه توصیه‌ای دارند و در مقام بیان رفتار مناسب و نامناسب هستند و نقض آن‌ها دارای پیامد انتظامی برای قاضی نیست. اصولاً کدها در پی این نیستند که هر تخلفی منجر به اقدام انتظامی گردد. در برخی دیگر از نظام‌های قضایی، کدهای رفتار قضایی به عنوان مجموعه‌ای از مقررات لازم‌الاجرا تصور نمی‌شود، بلکه به عنوان یک راهنمای ایده‌آل رفتار قضایی دانسته می‌شوند، مثال آن مجموعه‌هایی است که در کانادا، استرالیا و انگلستان و ولز به تصویب رسیده است (Sackville, 2009: 11)؛ بنابراین در بسیاری از کشورها و بیشتر در سطح بین‌المللی کدها، فاقد ماهیت الزام‌آور حقوقی‌اند.

۳.۱. تمییز استانداردهای رفتار قضایی از مقررات انتظامی قضات

در مقام تمایز قوانین و مقررات انتظامی قضات و استانداردهای رفتار قضایی باید گفت که نقض مقررات انتظامی که توسط قانونگذار به وجود می‌آید و در هر زمان بنابر صلاح‌دید وی قابل تغییر است، اقدام انتظامی را در پی خواهد داشت در حالی که اصول رفتار قضایی عموماً توسط خود قضات تدوین می‌شود و فاقد چنین ویژگی است، هرچند که نمی‌توان منکر هم‌پوشانی و اثر متقابل آن‌ها در برخی موارد گردید. مطابق با نظر شورای مشورتی قضات اروپا، اصول رفتار قضایی باید از مقررات انتظامی قابل اجرا نسبت به قضات، مستقل باقی بماند، به این معنا که عدم رعایت یکی از این اصول نباید خود به تنهایی نقض مقررات انتظامی و یا یک جرم مدنی یا کیفری را تشکیل دهد. هدف از یک کد اخلاقی کاملاً متفاوت از آن چیزی است که به وسیله مقررات انتظامی به دست می‌آید (Opinion no.3 of the CCJE, 2002: para. 48i). از دیگر سو، خاستگاه و مبانی اصول و استانداردهای رفتار قضایی مواردی همچون مذهب، اخلاق، حقوق طبیعی، عرف و عقل است، در حالی که خاستگاه و مبانی قوانین و مقررات انتظامی، مصلحت بین‌های قانونگذار و لزوم نظارت بر رفتار قضات است. در واقع استانداردهای رفتار قضایی، خود راهنمایی کارآمد برای قانونگذار در وضع قوانین ناظر بر قضات است و وی نمی‌تواند در وضع قانون از آن‌ها عدول کند؛ بنابراین استانداردهای رفتار قضایی و مقررات انتظامی

از حیث خاستگاه و مبنا با یکدیگر تفاوت دارند.

۳.۲. اخلاق قضایی (آداب القضا) در حقوق اسلامی

در نظام قضایی اسلام آداب قضا، پیشینه‌ای هم پای نهاد قضاوت دارد. حتی می‌توان گفت اولین و بیشترین آموزه‌های قضای اسلامی با گزاره های اخلاقی نظیر عدالت، بی‌طرفی، انصاف، برابری و... ارتباطی تنگاتنگ دارد و منابع اولیه اسلامی سرشار است از درون مایه‌ها و آموزه‌های ناب و اصیل که به طور خاص به این موضوع می‌پردازد. با این وصف کم توجهی در استخراج و به روز رسانی و عصری سازی آموزه‌های اسلامی در خصوص اصول رفتار قضایی، توجه کامل به قاضی و نه ظرفی که قاضی در درون آن به انجام وظایف قضایی می‌پردازد (رویکرد ساختاری) انکار ناپذیر است. اغلب ارزشهای مطرح در اصول رفتار قضایی بنگلور نظیر برابری، بی‌طرفی، استقلال و نزاکت در نظام حقوقی اسلام دارای سابقه‌ای دیرین است. از جمله از حضرت علی (ع) روایت کرده‌اند که فرمود: «مَنْ إِبْتَلَى بِالْقَضَاءِ فليَؤَسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَالنَّظَرِ وَ فِي الْمَجْلِسِ»؛ یعنی هر کس که عهده‌دار قضاوت می‌شود، باید برای طرفین دعوا در اشاره کردن، نگاه کردن و جای دادن، برابری کامل را رعایت کند. اصل بی‌طرفی که در فقه اسلامی به «وجوب تسمیه بین الخصمین» معروف است به این معناست که دستگاه قضایی به ویژه شخص دادرس باید کمال بی‌طرفی و مساوات را بین طرفین رعایت کند، دادرس نه تنها در اجرای قانون و تشریفات مربوط به دادرسی نباید بین طرفین فرق بگذارد؛ بلکه در سلام کردن، سخن گفتن، نگاه کردن و سایر برخوردها باید نسبت به اصحاب دعوا رفتار یکسان داشته باشد. فقها این امر را نه به عنوان یک توصیه اخلاقی بلکه به عنوان یک واجب شرعی بیان نموده‌اند که عدم رعایت آن موجب خروج دادرس از عدالت خواهد بود (فرحزادی، ۱۳۷۹: ۴۹). در کشورهای اسلامی قواعد مندرج در مجموعه‌های رفتار قضایی انعکاس دهنده یک پدیده جدید در ساحت فعالیت قضایی محاکم نبوده بلکه مباحث فقهی این موضوعات را بطور مفصل تشریح نموده‌اند. در حقوق اسلامی، می‌توان بین دو امر شرایط و ویژگی‌های فردی قضات و آداب القضا یا آداب قضاوت تفکیک قائل شد:

۳.۲.۱. ویژگی‌های فردی قضاات/شرایط قاضی: این ویژگی‌ها بسته به رویکردها و نظرات مختلف متفاوت است. این ویژگی‌های فردی قاضی باعث حسن انجام تکالیف قضایی می‌شود. شهید اول، شش شرط را به‌عنوان شرایط قاضی ذکر می‌کنند: ۱- اهلیت ناشی از بلوغ، عقل و حلال زادگی ۲- عدالت ۳- شایستگی فتوی دادن ۴- مرد بودن ۵- توانایی نوشتن ۶- بینابودن (امینی و آیتی، ۱۳۹۲: ۱۹۶).

آیت‌الله هادوی تهرانی در شرح استدلالی تحریرالوسیله حضرت امام خمینی هشت شرط زیر را به‌عنوان شرایط قاضی بیان نموده‌اند: ۱- اجتهاد ۲- بلوغ ۳- عقل ۴- ایمان ۵- ذکوریت ۶- عدالت ۷- طهارت مولد ۸- رشد. سپس تشریح کرده‌اند که از میان هشت شرط معتبر در قاضی منصوب از سوی معصومان(ع) وجود سه شرط یعنی ایمان، اجتهاد و ذکوریت لازم نیست در قاضی منصوب از سوی فقیه رعایت شود. شرط بلوغ و طهارت مولد بنا بر احتیاط باید مطلقاً ملاحظه گردد و شرط رشد در امور مالی بنا بر احتیاط معتبر است. رعایت عدالت و عقل در قاضی مطلقاً ضروری است. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

برخی از صاحب‌نظران با بررسی ادله موافقان و مخالفان قضاوت زنان به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ‌یک از دو دیدگاه به طور صرف نباید استفاده شود بلکه بایست راه حلی اندیشیده شود که هم اصل حکم نقض نگردد و هم این توان را ایجاد کند که از بانوان در امر قضا استفاده گردد؛ بنابراین راه حل باید راهی باشد که هم پشتوانه فقهی داشته باشد و هم بتواند به گونه‌ای این حکم را تعدیل کند که از دیدگاه مخالفان مثبت باشد یعنی در واقع تعدیلی همه جانبه باشد بدون زیر پا گذاشتن قواعد. این راه حل استخدام قضاات زن با حکم ثانویه است (مهاجری، ۱۳۹۱: ۸۱).

اما در ضمیمه (سنت‌های فرهنگی و مذهبی: حقوق اسلامی) یک سند بین‌المللی راجع به شرایط قاضی در حقوق اسلامی موارد زیر ذکر شده است: بلوغ، سلامت عقل، اختیار، درستکاری، توانایی استدلال حقوقی مستقل، ادراک حسی کامل. (شاه حیدری پور و همتی، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

۳.۲.۲. آداب القضا

ادب در لغت جای قرار گرفتن چیزها، حسن تناول و فراخواندن است. آداب در آداب و رسوم هم به فعل نیک و ترک بد فرا می‌خوانند. ادب القاضی که اصطلاح حقوق اسلامی است از آئین دادرسی اوسع است زیرا چیزهایی هست که اجزاء ادب القاضی است ولی جزو آئین دادرسی نیست. مثال: در آداب القضاء گفته‌اند: در خشم داوری نکند و نه در گرسنگی و تشنگی؛ رعایت مساوات کند بین اصحاب دعوا... این‌ها ادب القاضی است نه آئین دادرسی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۹). در آثار فقیهان با اختصاص بابی تحت عنوان «آداب القضاء» به تشریح رفتار قضایی پرداخته شده است. مثلاً از امامیه، ابن بابویه در من لایحضره الفقیه، شیخ مفید در المقنعه، شیخ طوسی در المبسوط و ابن ادریس در السرائر باب‌هایی را با عنوان آداب القضاء یا ادب القضاء گشوده‌اند. نظیر چنین ابوابی در مجامع حدیثی اهل سنت و نیز در آثار فقهی مالکیان و حنبلیان نیز یافت می‌شود. به طور کلی، آداب قضاوت به چهار بخش محرمات، واجبات، مستحبات و مکروهات قضا تقسیم شده است. رعایت مساوات در سلام کردن، نشستن، سخن گفتن، توجه به طرفین دعوا و استماع دعوا، سکوت در هنگام تکلم طرفین دعوا و صدور حکم به هنگام روشن شدن حق مدعی در زمره رفتارهای واجب امر قضا شناخته می‌شود. منع متهم از اقرار در حق الله، ترغیب طرفین به صلح و سازش، تغلیظ در قسم و موعظه سوگند خورنده قبل از اتیان سوگند از جمله رفتارهای مستحب قضایی است. شفاعت یکی از طرفین دعوا نزد طرف دیگر، قضاوت در حال خشم و حالات همانند از مکروهات قضا است به گونه‌ای که محقق در شرایع می‌نویسد: مکروه است قاضی قضاوت کند در حالی که غضبناک است؛ نیز مکروه است در هر حالی که همانند غضب، ذهن آدمی را مشغول می‌دارد، مثلاً گرسنگی و تشنگی و غم و شادی و درد و دفع خبث و چیره شدن چرت و خواب. (حلی، ۱۳۸۹: ۷۵). القاء مطلبی به طرفین دعوا، اخذ رشوه و هدیه، به تردید انداختن شاهد، ترغیب شاهد مردد و جلوگیری از اقرار مدعی علیه به حق مدعی از جمله محرمات قضاوت است. در حیطة رفتارشناسی قضایی اسلام، به ابعاد و زوایای دقیقی توجه شده که میزان نکته‌سنجی و درون‌نگری شارع را روشن می‌سازد (ادیبی مهر،

۱۳۸۹:۴۰).

امیر مؤمنان(ع) در نامه خود به مالک اشتر در سال ۳۸ هجری هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید اوصاف و خصوصیات را برای قاضی لازم دانسته است که جامع‌ترین نصی است که شروط صلاحیت قاضی و قیود رفتاری وی را با دقیق‌ترین تعبیر بیان کرده است و حاکی از والاترین معیارهای اخلاق قضایی است. حضرت(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «سپس برای حکم (قضاوت) میان مردم از رعیت خود آن را برگزین که نزد تو برترین است. کسی که کارها بر او دشوار نگردد و صاحبان دعوی او را به لجاجت نکشانند(در معرض آزمایش درنیاورند) اگر دچار لغزشی شد آن را ادامه ندهد و از رجوع به حق، وقتی که آن را بشناسد احساس دشواری ننماید، و هرگز خود را در پرتگاه حرص و آزار قرار ندهد، و در امور قضائی با اکتفا به فهم و درک ابتدائی، از مراتب عالیه فهم و معرفت در آن امور خود را محروم نسازد. (برای قضاوت) کسی را انتخاب کن که در موارد مشتبه و ابهام‌انگیز بیش از همه برای احتیاط، توقف کند و پیش از همه به دلایل صحیح تکیه نماید. از مراجعات اهل دعوی کمتر احساس ناراحتی کند، او باید بردبارترین مردم برای کشف و روشن ساختن امور و قاطع‌ترین آنان در موقع آشکار شدن حکم بوده باشد. قاضی نباید از مداحی و ستایشگری فریفته شود و به خود ببالد و نباید تشویق‌های فریبنده تمایل او را جلب کند، و این‌گونه قضات اندک‌اند...».

ابوبکر احمد ابن شیبانی یکی از حقوق‌دانان اسلامی در کتاب آداب القضا، آداب قضاوت را به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم می‌کند:

الف. قواعد ایجابی

- قاضی بایستی دارای شخصیت و دانش قوی باشد و در دادگاه شکیبایی نشان دهد.
- او باید تضمین کند که همه افراد دسترسی آسان به دادگاه داشته باشد.
- او بایستی هنگامی که نادرستی دعوی برایش آشکار شود تصمیم قبلی دادگاه را به عنوان تصمیمی بی‌اعتبار و باطل قلمداد کند.

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در ... ۲۸۷

- او بایستی سبک‌ها و عرف‌های مردمی که برای آنها به عنوان قاضی منصوب شده است بشناسد.
- او بایستی بر امور روزانه مقامات دادگاه خود کاملاً نظارت داشته باشد.
- او بایستی با حقوق‌دانان و افراد متقی، امین و عادل شهر آشنا باشد. او می‌تواند در مهمانی‌های عمومی و تشییع جنازه شرکت نماید.

ب. قواعد سلبی:

- او نباید زمانی که عصبانی است یا تحت فشار احساسی است رأی صادر نماید.
- او نباید زمانی که خواب بر او غلبه می‌کند یا زمانی که او شدیداً خسته یا مشغوف است در مورد پرونده‌ای تصمیم بگیرد.
- او نباید زمانی که گرسنه است یا پرخوری کرده است قضاوت نماید.
- او نباید هرگونه رشوه‌ای را بپذیرد.
- او نباید به دو طرف دعوی بخندد یا آنها را مضحکه قرار دهد.
- او نباید زمانی که در مورد پرونده‌ها تصمیم می‌گیرد خود را به روزه غیر واجب ضعیف نماید.
- او نباید حرف در دهان بزه دیده بگذارد و نیز نبایستی پاسخی را پیشنهاد نماید و نیز نبایستی به هیچ‌کدام از دو طرف دعوی اشاره نماید.
- او نباید به یکی از دو طرف دعوی اجازه ورود به خانه خود را بدهد و نیز نباید از یکی از دو طرف دعوی در اقامتگاه خود پذیرایی نماید.
- او نباید بر جهل نسبت به چیزی اصرار ورزد بلکه باید از فرد دارای علم بپرسد.
- او نباید آرزوی ثروت بکند و نیز نباید برده شهوت باشد.
- او نباید از هیچ‌کس بترسد و از برکنار شدن ترسی داشته باشد و نیز نباید کسی را بستاید و نیز نبایستی از منتقدانش بیزار باشد.
- او باید از پذیرش هرگونه هدیه‌ای از هر کسی که مرتبط با پرونده در انتظار رسیدگی است خودداری نماید.
- او نباید به خاطر ترس از عصبانیت کسی از حقیقت منحرف شود.

- او نباید احساسات دو طرف دعوی را مدنظر قرار دهد. (شاه‌حیدری‌پور و همتی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۵).

۴. جایگاه اصول رفتار قضایی در سایر نظام‌های قضایی جهان

در نظام‌های قضایی غربی همه اصول اخلاقی لازم‌الرعایه مبتنی بر قانون، مقررات یا دستورالعمل نیستند، بلکه قضات به مرور زمان درک کرده‌اند اگر عرفاً پاره‌ای از اصول را رعایت نکنند اعتماد عمومی به دستگاه قضایی آسیب می‌بیند.

در حالی که آمریکا و کشورهای نظام حقوق عرفی دارای سنت دیرینه‌ای در زمینه اخلاق قضایی هستند، بسیاری از کشورهای نظام حقوق نوشته به تازگی شروع به پرداختن به این موضوع کرده‌اند. (Terhechte, 2009: 514). در میان کشورهای اروپایی، ایتالیا قدیمی‌ترین کد اخلاق قضایی را دارا است که در سال ۱۹۹۴ توسط انجمن قضات ایتالیا به تصویب رسیده است. حتی دولت ایتالیا در سال ۱۹۹۳ مقرر کرد که همه ادارات ارائه دهنده خدمات عمومی باید مجموعه‌های رفتار قضایی را در جهت تضمین استانداردهای بالای خدمات به شهروندان تدوین نمایند. در میان نظام‌های قضایی عربی که به رفتار قضایی می‌پردازد سند ریاض پیرامون اخلاق و رفتار قاضی است که در پانزدهمین جلسه رؤسای دستگاه‌های قضایی عربی در سال ۲۰۰۷ در شش اصل تحت عناوین: استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و شایستگی و پشتکار، به تصویب رسیده است که با اصول بنگلور شباهت زیادی دارد و با الهام از آن تدوین شده است. در ذیل به اقدامات چند کشور پیشرو در این زمینه می‌پردازیم و سپس اقدامات سایر کشورها را پی می‌گیریم.

۴.۱. آمریکا

آمریکا از اولین کشورهایی بود که به ضرورت تدوین کد اخلاق قضایی پی برد. قبل از دهه ۱۹۷۰ کدهای تفصیلی رفتار قضایی فقط در ایالات متحده آمریکا وجود داشت. (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ۱۳۹۳، ۲۱۶) قوه قضاییه آمریکا چندین کد رفتاری دارد که توسط کنفرانس قضایی ایالات متحده تأیید شده و به‌عنوان منابع اولیه

راهنمای اخلاقی قضات و کارمندان هستند. این رویکرد نظام قضایی آمریکا از این جهت ارزشمند و البته برای کارآمدی قوه قضاییه اثربخش است که مجموعه قوه قضاییه را در نظر گرفته است و ارکان قوه قضاییه را فقط قضات یا کارمندان تلقی نکرده است. رویکردی که در اصول رفتار قضایی بنگلور نیز دیده می‌شود.

- ۴.۱.۲. **کد رفتاری برای قضات ایالات متحده:** کد رفتاری برای قضات ایالات متحده^۱ شامل قواعد رفتاری است که بر قضات فدرال اعمال شده و راهنمای نحوه انجام تکالیف قضایی قضات و مشارکت آن‌ها در طیفی از فعالیت‌های خارج از دادگاه است. این کد به ابتکار کنفرانس قضایی در ۵ آوریل ۱۹۷۳ تدوین و به‌عنوان «کد رفتار قضایی برای قضات ایالات متحده» معروف شد. سپس کنفرانس قضایی تغییراتی را در آن اعمال کرد که آخرین اصلاحات مربوط به سال ۲۰۱۴ است. کنفرانس قضایی به کمیته کد رفتار قضایی وابسته به خود صلاحیت ارائه نظرات مشورتی پیرامون این کد را داده است البته تنها زمانی که توسط قاضی‌ای که این کد بر او اعمال می‌شود درخواست شود (مقدمه کد). این کد متشکل از قواعد پنج‌گانه کلی است که (Canon) به معنای قاعده کلی نامیده می‌شوند. هر یک از این قواعد با مقررات جزئی‌تر و عبارات تفسیری که در ذیل آن آمده است شرح داده می‌شوند. این قواعد عبارت‌اند از:
۱. قاضی باید استقلال و سلامت دستگاه قضایی را حفظ و تقویت کند. این امر لازمه عدالت در جامعه بوده و دفاع از آراء و احکام دادگاه‌ها منوط به اعتماد عمومی به سلامت و استقلال قضات است.
 ۲. قاضی باید از رفتار خلاف شأن و نمود بی‌نزاکتی در همه فعالیت‌ها اجتناب نماید. احترام به قانون، اجتناب از تأثیرپذیری از امر یا کسی در رفتار قضایی و صدور حکم و عدم اعمال تبعیض از جمله معیارهای نزاکت هستند.
 ۳. قاضی باید وظایف منصب قضایی را بی‌طرفانه، منصفانه و با پشتکار انجام دهد. تکالیف منصب قضا بر هر فعالیت دیگری اولویت دارد. در انجام تکالیف مقرر قانونی، قاضی باید تابع استانداردهای زیر باشد:

- مسئولیت‌های مربوط به حل و فصل و صدور حکم
- مسئولیت‌های مربوط به اعلام منع رسیدگی به دلیل وجود شرایط ناقص بی‌طرفی

- مسئولیت‌های اداری

۴. قاضی باید فعالیت‌های فردی و غیر قضایی خود را به گونه‌ای انجام دهد که مغایر با وظایف قضایی نباشد. قاضی می‌تواند در فعالیت‌های غیر قضایی از جمله فعالیت‌های حقوقی، مدنی، خیریه، آموزشی، مذهبی، اجتماعی، مالی، امانی و دولتی مشارکت داشته باشد و می‌تواند در موضوعات حقوقی و غیرحقوقی صحبت کند، بنویسد، سخنرانی کند یا تدریس نماید. با این حال نباید در فعالیت‌های غیر قضایی وارد شود که شأن منصب قضایی را زیر سؤال برده، انجام تکالیف قضایی را دشوار کرده، بی‌طرفی او را تضعیف نموده و منجر به عدم صلاحیت مکرر او یا نقض محدودیت‌های مقرر قانونی شود.
۵. قاضی باید از فعالیت‌های سیاسی اجتناب نماید.

الف) ممنوعیت‌های عام: قاضی نباید:

- به عنوان رهبر یا صاحب هر منصبی در یک سازمان سیاسی باشد.
- برای یک سازمان سیاسی یا نامزد سیاسی سخنرانی کرده و به صورت علنی نامزدی را برای یک منصب عمومی تأیید یا رد نماید.
- برای یک سازمان یا نامزد سیاسی منابع مالی درخواست، پرداخت یا کمک نماید یا در ضیافت شام یا سایر برنامه‌های پشتیبانی سازمان یا نامزد سیاسی حضور یافته یا بلیت آن را خریداری نماید.

ب) استعفا به خاطر نامزد شدن: در صورتی که قاضی نامزد انتخابات برای هر منصبی شد باید از منصب قضاوت کناره‌گیری کند.

ج) سایر فعالیت‌های سیاسی: قاضی نباید در سایر فعالیت‌های سیاسی مشارکت نماید. این مقرر قاضی را از مشارکت در فعالیت‌های مقرر در قاعده چهارم منع نمی‌کند.

هم اکنون تمام ایالت‌های آمریکا دارای کد اخلاق قضایی مخصوص به خود هستند که از میان آن‌ها تا کنون هیچ‌ده ایالت کدهای خود را مطابق با کد نمونه رفتار قضایی تصویب کرده‌اند. منشأ قانونی این کدها قوانین اساسی ایالت‌ها است، به عنوان مثال اصل ۱۹۰ قانون اساسی ایالت کالیفرنیا چنین مقرر می‌دارد: «دیوان عالی باید قواعدی را برای رفتار قضات تدوین کند. ... این مقررات کد اخلاق قضایی نامیده می‌شود».

۴.۱.۳. کد رفتاری برای کارمندان قضایی: کد رفتاری برای کارمندان قضایی^۲ شامل قواعد رفتاری است که بر کارمندان قضایی اعمال شده و راهنمای نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آن‌ها در طیفی از فعالیت‌های خارج از دادگاه است. این کد رفتاری بر همه کارمندان قوه قضاییه به‌جز قضات و نیز کارمندان دیوان عالی، دفتر اداری دادگاه‌های ایالات متحده، مرکز قضایی فدرال، کمیسیون مجازات و مقامات دادستان عمومی فدرال اعمال می‌گردد (مقدمه کد).

قاعده اول: یک کارمند قضایی باید استقلال و سلامت دستگاه قضایی و منصب قضایی خود را حفظ و تقویت کند.

قاعده دوم: کارمند قضایی قاضی باید از رفتار خلاف شأن و نمود بی‌نزاکتی در همه فعالیت‌ها اجتناب نماید.

قاعده سوم: کارمند قضایی باید تابع استانداردهای مناسب در انجام تکالیف منصب خود باشد.

قاعده چهارم: در ورود به فعالیت‌های خارج از دادگاه، کارمند قضایی باید از خطر مغایرت آن فعالیت‌ها با تکالیف رسمی اجتناب نموده و باید از نمود بی‌نزاکتی خودداری کرده و باید از الزامات افشا تبعیت کند.

قاعده پنجم: کارمند قضایی باید از فعالیت سیاسی نامناسب خودداری نماید.

۵. چین

۵.۱. زمینه و اهداف کد

در ۱۸ اکتبر سال ۲۰۰۱ دیوان عالی جمهوری خلق کشور چین با تدوین و انتشار کد اخلاقی برای قضات^۳ باعث شد این کشور جزو معدود کشورهای جهان باشد که دارای یک کد ویژه رفتاری برای قوه قضاییه است. انتشار این کد از دو جهت می‌تواند مورد توجه واقع شود: از نظر ماهوی، این کد توسعه طبیعی اصلاحات دادگاه‌هاست که بیش از یک دهه پیش شروع شده بود. در سال ۱۹۸۰، اصلاحات دادگاه‌ها برای فائق آمدن به ناتوانی در رسیدگی به تعداد فزاینده دعاوی مدنی و اقتصادی ناشی از اصلاحات اقتصادی، با تغییر سازوکارهای رسیدگی دادگاه‌های محلی شروع شد. واضح است که اقدامات اصلاحی نمی‌تواند به صورت کارآمد اجرا شود مگر اینکه در کیفیت ویژگی‌های حرفه‌ای قضات بهبودی حاصل شود. ویژگی‌های حرفه‌ای قضات مستلزم صلاحیت رسیدگی قضات به پرونده‌ها بر اساس قانون و استانداردهای بالای اخلاقی و رفتاری است تا تضمین کند قضات منصف و بی‌طرف هستند و رفتارشان هم مبین این امر است؛ اما ظاهراً تأکید بر اخلاق قضایی یک پاسخ مثبت به افکار عمومی است. در سالهای اخیر، اگرچه دادگاه‌های چین به پرونده‌های زیادی رسیدگی می‌کند و نقش آن‌ها برجسته است اما نارضایتی و شکایت از آن‌ها افزایش یافته است. تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها، نبود شفافیت در اقدامات قضایی، سوء رفتار قضایی گسترده، فساد قضایی و اقدامات اصلاحی کند، غیر سازمان یافته و غیر اثر بخش نارضایتی اساسی ایجاد کرده است (Yuwen, 2006: 3).

این کد در ۵۶ ماده و شش بخش تحت عناوین: تضمین بی‌طرفی قضایی، ارتقاء اثربخشی قضایی، حفظ درستکاری و پاک دستی، رعایت شئون قضایی، تقویت خود شکوفایی/ ارتقای و محدودیت فعالیت‌های غیرقضایی، مطابق با قانون قضات جمهوری خلق چین و دیگر مقررات مربوط به تنظیم و بهبود استانداردهای اخلاق قضایی با هدف تقویت ویژگی‌های حرفه‌ای قضات و حفظ تصویر مناسب از قضات و دادگاه‌ها تدوین شده است. افزون بر قضات، هیئت منصفه نیز هنگامی که وظایف قضایی را اعمال می‌کند

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در ... ۲۹۳

باید قواعد رفتاری مندرج در کد را رعایت کند. همچنین این مجموعه رفتاری در شمار منابعی است که در بازبینی مجدد پیش‌نویس اصول رفتار قضایی بنگلور مورد استفاده واقع شده است.

۵.۲. اصول شش‌گانه کد

اصل اول: تضمین بی‌طرفی قضایی

هفده ماده از ۵۰ ماده این کد به بی‌طرفی قضایی اختصاص یافته است که چهار جنبه را تحت پوشش قرار می‌دهد: عدالت ماهوی و عدالت رویه‌ای (شکلی)، استقلال، بی‌طرفی و عدم تبعیض. در کلیه مواد راجع به این اصل تأکید شده است که رفتار و عملکرد قاضی باید نشان‌دهنده این موارد باشد.

اصل دوم: تقویت کارآمدی قضایی

بی‌طرفی و کارآمدی به‌عنوان دو ستون عملکرد دادگاه‌ها در هزاره جدید هدف‌گذاری شده است. مهم‌ترین تجلی آشکار ناکارآمدی قضایی، تأخیر در صدور رأی است. در این راستا طی چهار ماده این کد، به راهکارهای آن اشاره شده است: عدم تأخیر در رسیدگی به پرونده به دلایل شخصی (ماده ۱۸) رعایت دقیق بازه‌های زمانی مقرر شده توسط قانون (ماده ۱۹) صرف زمان متعارف و کافی به همه پرونده‌های ارجاع شده و توجه به صرفه‌جویی زمان برای مراجعه‌کنندگان و همکاری اثر بخش با سایر قضات و مقامات قضایی (ماده ۲۰) نظارت بر طرفین پرونده جهت تضمین رعایت آیین‌های رسیدگی و الزامات زمانی توسط آنها (ماده ۲۱)

اصل سوم: پاک دستی و صداقت در انجام تکلیف

در خصوص این اصل، این کد ۵ ضابطه زیر را مطرح می‌کند: عدم سوءاستفاده از موقعیت برای کسب منافع شخصی (ماده ۲۳) عدم قبول

چیزی از طرفین یا نمایندگان و وکلای آنها (ماده ۲۴) عدم ورود به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی که موجب تردید عموم نسبت به سلامت قاضی می‌شود (ماده ۲۵) تعیین سازوکارهای مناسب برای امور شخصی و فردی و خلط نکردن آنها با موقعیت قضایی خود (ماده ۲۶) عدم اشتغال پاره‌وقت به حرفه وکالت، مشاوره حقوقی به شرکت‌ها، نهادهای دولتی یا اشخاص و عدم ارائه مشاوره حقوقی یا نظرات حقوقی راجع به پرونده تحت رسیدگی به طرفین آن پرونده (ماده ۲۸)

اصل چهارم: حفظ شئون قضایی

در حالت کلی، این کد قضاات را به احترام به آداب معاشرت قضایی، حفظ ظاهر خوب و رفتار متمدانه و حفظ اقتدار دادگاه‌ها و تصویر خوب از قضاات فرا می‌خواند (ماده ۳۱). در مفهوم دقیق‌تر، این کد قضاات را به احترام به حیثیت انسانی طرفین ملزم می‌کند (ماده ۳۲).

اصل پنجم: تقویت خود ارتقای / شکوفایی

در مقایسه با سایر اصول، این اصل استانداردهای بالای اخلاقی و رفتاری را برای قضاات ترسیم می‌کند یعنی یک قاضی ایده آل را ترسیم می‌کند: داشتن تجربیات اجتماعی وسیع و ارزشمند و درک اساسی واقعیت اجتماعی، داشتن عقیده به سرسپردگی به تکالیف حرفه‌ای، رسیدگی و صدور حکم بر اساس قانون، داشتن عزت نفس و دوری از تعظیم و چاپلوسی و عدم اهتمام به منافع شخصی، داشتن دانش شهودی بر نکوهش شر و تشویق خوبی و تقویت عدالت، داشتن ویژگی انصاف، مهربانی، تواضع و تدبیر و بهره‌مندی از شهرت خوب فردی (ماده ۳۵). در زندگی فردی، قاضی باید منضبط، در گفتار و کردار محتاط، دارای ارزش‌های اخلاقی والا و نمونه‌اعلای اخلاق اجتماعی و خانواده دوست باشد (ماده ۳۷).

اصل ششم: محدودیت‌های فعالیت‌های غیر قضایی

این اصل قواعدی را راجع به آنچه قضات نمی‌توانند انجام دهند یا آنچه می‌توانند با احتیاط انجام دهند یا در چارچوب محدوده‌های مقرر می‌توانند انجام دهند را ترسیم می‌کند:

اول: موارد ترک فعل: قضات باید از رفتارهای مضر که مغایر با منافع عمومی، نظم عمومی، اخلاق عمومی اجتماعی و آداب و رسوم خوب است یا رفتارهایی که تصویر خوب از قضات یا توانایی آن‌ها در انجام منصفانه تکالیف قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اجتناب نماید (ماده ۳۹) قضات نباید عضو سازمان‌های تجاری یا سازمان‌هایی که ممکن است با استفاده از تأثیر و نفوذ او کسب منفعت می‌کنند باشد (مواد ۴۱ و ۴۳).

دوم: فعالیت‌هایی که قضات باید با احتیاط انجام دهند: ماده ۴۰ می‌گوید که قضات باید در ورود به فعالیت‌های سرگرمی، در دوستی و رفتار و برخورد با طرفین پرونده، وکلا و سایر افراد در جهت جلوگیری از ایجاد شک عمومی پیرامون انصاف و سلامت قضات و نیز جلوگیری از نگرانی و دغدغه‌های احتمالی در اعمال تکالیفشان محتاط باشند. با این حال، زمان انتشار مقاله یا مصاحبه با رسانه‌های عمومی، قاضی باید محتاط بوده، نباید اظهارات نامناسبی در مورد پرونده‌های خاص یا طرفین پرونده نماید و باید سعی کند از ایجاد تردید عمومی راجع به بی‌طرفی قضایی به خاطر اظهارات یا رفتارهای نامناسب خودداری نماید (ماده ۴۵).

سوم: رفتارهایی که قضات در محدوده‌های مقرر قانونی می‌توانند انجام دهند: به‌عنوان یک قاعده کلی، قضاتی که به فعالیت‌های غیر قضایی وارد شده‌اند نباید اجازه دهند این فعالیت‌ها در انجام تکالیف قضایی‌شان تداخل یا وقفه‌ای ایجاد کنند یا آن‌ها را تضعیف نمایند (مواد ۳۸، ۴۲ و ۴۴).

۶. اصول رفتار قضایی بنگلور و بازتاب آن در ایران

مهم‌ترین سندی که در زمینه رفتار قضایی در سطح بین‌المللی مقبولیتی عام یافته و مورد توجه دستگاه‌های قضایی کشورهای دنیا واقع شده است، اصول بنگلور است. هدف از این اصول، تبیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضات به منظور انجام هرچه بهتر وظایف قضایی و ایجاد یک چهارچوب برای نظام بخشی رفتار قضایی است. اصول مزبور حاکی از والاترین سنت‌های مربوط به کار ویژه قضایی است که می‌تواند موجبات پایه‌گذاری بنیانی استوار را برای یک نظام قضایی فراهم آورد. اصول رفتار قضایی بنگلور، در طی سالهای بعد از تصویب به نحو فزاینده‌ای، از سوی نظام‌های قضایی جهان و نیز نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه سلامت فرایند قضایی مقبولیت یافت (Mayne, 2007: 40). اصول رفتار قضایی بنگلور شش استاندارد را جهت تقویت عملکرد رفتاری قضات مورد شناسایی قرار داده است که چارچوب جامعی را برای تنظیم رفتار قضایی فراهم می‌کند و به شرح آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به طور کلی می‌توان گفت در نظام قضایی ایران، استانداردهای رفتار قضایی به صورت پراکنده و غیر جامع در قانون اساسی، قوانین آیین دادرسی و قانون نظارت بر رفتار قضات بازتاب یافته است. همچنین لزوم رعایت ارزش‌های رفتار قضایی ناشی از قانون، فقه و عرف قضایی است. بدین معنا که برخی از ارزش‌ها به صورت پراکنده و غیر منسجم در قوانین و برخی دیگر در مباحث فقهی بازتاب یافته‌اند و کاربرد برخی دیگر از ارزش‌ها که شأن قانونی نیافته‌اند، بر اساس عرف قضایی است. در سطور آتی به اصول رفتار قضایی بنگلور و بازتاب آن در ایران می‌پردازیم:

۶.۱. استقلال^۴

اولین اصل ذکر شده در سند بنگلور، استقلال قضایی است که به عنوان پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین بنیادین دادرسی عادلانه معرفی شده است و از چنان اهمیتی برخوردار است که اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی را به خود اختصاص داده است که مهم‌ترین آن اصول بنیادین استقلال دستگاه قضایی است که جهت کمک به کشورهای

عضو در انجام وظیفه خود مبنی بر تأمین و ارتقاء استقلال دستگاه قضایی تدوین و تنظیم شده است و توسط کنگره هفتم سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در سال ۱۹۸۵ در شهر میلان ایتالیا تصویب گردید و توسط مجمع عمومی در قطعنامه ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ تأیید شد. مجمع عمومی از دولت‌ها خواسته است تا این اصول را محترم شمرده و در چارچوب قانون‌گذاری و رویه‌های ملی خودشان مدنظر قرار دهند.

حفظ استقلال قضایی در جنبه‌های فردی و سازمانی بر عهده قاضی و دستگاه قضایی است. تصویب اعلامیه‌های مبتنی بر قانون اساسی درباره استقلال قضایی به‌خودی‌خود، یک دستگاه قضایی مستقل ایجاد نمی‌کند. استقلال قضایی باید توسط قوای سه‌گانه به رسمیت شناخته شود. این اصل، مزیت یا امتیاز شخص قاضی نیست، بلکه مسئولیتی است که بر هر قاضی تحمیل می‌شود تا او را قادر سازد که در مورد یک دعوی، مستقلاً بر مبنای قانون و ادله، بدون فشار یا اعمال نفوذ بیرونی و بدون ترس از مداخله هیچ منبع قدرتی قضاوت نماید. قاضی باید وظیفه قضایی را مستقلاً بر اساس ارزیابی خود از وقایع و مطابق با فهم وجدانی قانون، فارغ از هرگونه نفوذ، انگیزش، فشار، تهدید یا مداخله بیرونی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از هر ناحیه و به هر دلیل انجام دهد. وی همچنین باید مستقل از همکاران قضایی باشد. اگر تصور بر این باشد که تصمیم‌گیری قضایی، تابع نفوذ بیرونی ناروا است، اعتماد به دستگاه قضایی از بین می‌رود.

با توجه به ابعاد تشکیلاتی و رفتاری استقلال قوه قضاییه، استقلال تشکیلاتی در اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی تصریح شده است. عنوان مثال اصل ۱۶۴ قانون اساسی تضمین‌کننده استقلال درون قوه‌ای و ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی که قوا را مستقل از هم دانسته تضمین‌کننده استقلال برون قوه‌ای قاضی و اصل ۱۶۶، بیان‌کننده معیار تصمیم‌گیری اوست که فارغ از حب و بغض، روابط و منافع فردی و مسائل غیرمرتبط با پرونده، بر اساس ادله و استدلال صحیح اقدام به اتخاذ تصمیم نماید و ضمانت اجرای آن هم اصل ۱۷۱ قانون اساسی مبنی بر ضامن بودن قاضی در صورت تقصیر و یا اشتباه وی و نیز ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات است که عدم رعایت اصل ۱۶۶ به موجب این ماده از موجبات تخلف انتظامی است. با توجه به اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی،

استقلال قاضی مطلق است اما استقلال دستگاه قضایی نسبی است؛ اما استقلال مطلق قاضی ایجاب می‌کند که ارتباطی با سایر دستگاه‌ها نداشته باشد و متأثر از آن‌ها نباشد. استقلال دستگاه قضایی در قانون و استقلال قاضی در قانون و شرع پیش‌بینی شده و موافق با ارزش استقلال قضایی منعکس شده در اصول بنگلور است. ولی این موضوع عاری از انتقاد نیست. برخی موضوعات نظیر فقدان استقلال مالی دستگاه قضایی، نحوه تصویب لوایح قضایی، استفاده از نیروی قوه مجریه تحت عنوان ضابطان قضایی، وضعیت این قوه را آسیب‌پذیر می‌سازد. (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵).

۶.۲. بی‌طرفی^۵

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصولاً برخورداری از یک دادرسی منصفانه و علنی توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف یکی از حقوق بنیادین افراد برشمرده شده است. بی‌طرفی برای ایفای مناسب منصب قضایی اساسی است. بی‌طرفی نه تنها خود تصمیم بلکه فرایند تصمیم‌گیری را نیز در بر می‌گیرد. استقلال و بی‌طرفی ارزش‌های جدا و متمایزی هستند. استقلال پیش‌شرط ضروری بی‌طرفی و مقدمه لازم برای دست یافتن به آن است و ویژگی اساسی و الزامی قاضی و وصف محوری قوه قضائیه است. بی‌طرفی بایستی هم در واقع امر موجود باشد و هم وجود آن به طور متعارف احساس شود. این جنبه دوگانه در این عبارت مشهور به کار رفته است که «عدالت نه تنها بایستی اجرا شود بلکه باید اجرای آن آشکارا دیده شود» (UNODC, 2007: 57). نمونه‌هایی از نقض بی‌طرفی را در رفتار قضات دادگاه نورمبرگ که با اتهام تعصب ضد نازی و ضد آلمانی مواجه بود و نیز قضات دادگاه کیفری ویژه یوگسلاوی سابق با ادعای تعصب علیه صرب‌ها می‌توان یافت (فضائلی، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

بی‌طرفی دادرس مستلزم آن است که وی نسبت به قضیه مورد رسیدگی دچار پیش‌داوری نشود و به خود اجازه ندهد که تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای و گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی،

تعلقات خانوادگی، قومی، نژادی، عقیدتی و غیر آن قرار گیرد؛ بلکه باید رأی خود را بر استدلال‌های عینی مبتنی بر آنچه در دادرسی ارائه شود، استوار سازد (Van Dijk, 1983:37-8). قاضی باید وظایف قضایی خودش را بدون ترجیح، جانب‌داری یا تبعیض انجام دهد. اگر قاضی جانب‌دار به نظر آید، اعتماد عمومی به قوه قضائیه زایل می‌شود. از این رو قاضی بایستی از هر کاری که القاء می‌کند تصمیم وی ممکن است تحت تأثیر عوامل بیرونی از قبیل رابطه شخصی قاضی با یک طرف یا ذینفع بودن در نتیجه دعوا، قرار گیرد، اجتناب نماید.

از نگاهی دیگر بی‌طرفی به معنای عدم جانب‌داری نهادینه شده از یک اندیشه، تفکر یا مکتب یا گرایش حقوقی در ارگان قضایی است. گاه ممکن است اساساً بنیانگذاران یک ارگان قضایی ساختار و آئین‌های آن را به گونه‌ای طراحی کنند که نسبت به یک مکتب یا گرایش حقوقی یا سیاسی خاص، مایل باشد (فضائلی، ۱۳۸۷:۲۲۴). در این چارچوب علی‌الخصوص باید مطمئن شد که در آئین دادرسی از بروز شرایطی که انجام بی‌دری و وظایف مختلف را در طی یک دادرسی یا در دادرسی‌های مختلف ایجاد کرده و می‌تواند به طور عینی در مورد بی‌طرفی دادرس شک و تردید ایجاد کند، اجتناب گردد (ساکوچی، ۱۳۸۲: ۲۶).

به طور کلی می‌توان گفت دو دسته عوامل بی‌طرفی دادرس را تهدید می‌کند. یک دسته عوامل بیرونی که طبق معیارهای عینی سنجیده می‌شوند و یک دسته عوامل درونی که طبق معیارهای ذهنی سنجیده می‌شوند و دادرس باید نسبت به عوامل تأثیرگذار بیرونی هوشیاری بیشتری داشته باشد. از سوی دیگر باید بکوشد تا طی استماع دعوا و در مقام تصمیم‌گیری به وسیله تمایلات درونی برانگیخته نشود. پس در مقام ارائه معیار برای بی‌طرفی باید قائل به معیاری مختلط از ذهنی و عینی بود.

عبارت خروج از بی‌طرفی مندرج در بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات، به‌عنوان تمهیدی برای جلوگیری از خروج قاضی از بی‌طرفی شامل فرایند دادرسی، صدور حکم و اجرا است. عمده حمایت قانونی جهت رعایت این اصل، پیش‌بینی موارد رد دادرس در قوانین آیین دادرسی (فصل هشتم (رد دادرس) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی)

است. البته در ماده سه قانون آیین دادرسی کیفری نیز به بی طرفی اشاره شده است: مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.

برخلاف اصول بنگلور، موارد امتناع دادرسی از رسیدگی به طور حصری بیان شده است در حالی که در اصول بنگلور موارد امتناع به صورت تمثیلی بیان شده است و ملاک ارائه شده نیز عدم امکان تصمیم‌گیری بی طرفانه خواهد بود. در این زمینه رأی زیر از دادگاه عالی انتظامی قضات می‌تواند جالب توجه باشد: «چون طبق اصل ۱۶۶ قانون اساسی و مواد ۸ و ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قانون یا شرع و اصولی که بر مبنای آن رأی صادر شده است باشد و همچنین دادگاه مکلف است به مستند از ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری به دلایل له و علیه طرفین با کمال بی طرفی و بی‌غرضی رسیدگی نماید تا شائبه خروج از بی طرفی متوجه دادرسی نگردد...» (کریم زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

۶.۳. سلامت^۶

با توجه به سند بنگلور، سالم بودن رفتار به معنای عاری بودن آن از هرگونه نقص و کاستی و زشتی است. در دستگاه قضایی، سلامت چیزی بیش از یک مزیت و بلکه یک ضرورت است و ارکان سلامت، صداقت و رعایت اصول اخلاق قضایی است. اعتماد به دستگاه قضایی افزون بر عوامل دیگر بر سلامت و درستکاری اعضای آن نیز مبتنی است. سلامت قضایی، پناهگاهی برای عموم مردم در برابر هرگونه تجاوز به حقوق و آزادی‌های مشروع فراهم می‌سازد. زمانی که قاضی از قانون تخطی می‌کند، ممکن است منصب قضایی را تضعیف کرده، بی‌احترامی به قانون را تشویق نموده و اعتماد عمومی به سلامت دستگاه قضایی را کاهش دهد. این در حالی است که قضات باید معیارهای والای رفتار قضایی را در راستای تقویت اعتماد عمومی، ارائه و ارتقا دهند (UNODC, 2007: 82). قاضی باید مطمئن باشد که رفتار او از نظر یک ناظر متعارف قابل انتقاد نیست. چرا که رفتار فردی قاضی کل سیستم قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از منظر عمومی، قاضی

نه تنها متعهد شده است که در خدمت آرمان‌های عدالت باشد که بر اساس آن‌ها حاکمیت قانون و بنیادهای مردم‌سالاری شکل می‌گیرد، بلکه باید نماد آن‌ها نیز باشد. بر این اساس، ویژگی‌های فردی، رفتار و تصویری که قاضی ارائه می‌دهد، سیستم قضایی را به عنوان یک مجموعه و نتیجتاً، اعتمادی که عموم به آن دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتار و کردار قاضی باید بازگو کننده ایمان مردم به سلامت دستگاه قضایی باشد.

این ارزش که نشان از درست‌کاری و نیکوکاری و دوری از تقلب، فریب و دروغ است در نظام حقوقی داخلی بر رعایت اصول و قواعد اخلاق حسنه و اسلامی (فضایل اخلاقی) از یک طرف و اصول و قواعد رفتار حرفه‌ای یا قضایی و رفتار موافقشان دلالت دارد.

۶.۴. نزاکت^۷

اصطلاح نزاکت قضایی به معنای رعایت سلسله رفتارهایی موافق آداب و شئون حرفه‌ای امر قضا است که شأن قاضی و دستگاه قضایی را تضمین می‌کند. سند بنگلور در این باره مقرر می‌دارد: نزاکت و نمود نزاکت در اجرای همه فعالیت‌های قضایی اساسی است. قاضی باید از بی‌نزاکتی و نمود بی‌نزاکتی در همه فعالیت‌های خود اجتناب نماید (UNODC, 2007: 86). ضابطه بی‌نزاکتی این است که آیا یک رفتار خاص، توانایی قاضی برای انجام مسئولیت‌های قضایی را همراه با سلامت، بی‌طرفی، استقلال و شایستگی به مخاطره می‌اندازد؟ برای مثال، رفتار با یک مقام دولتی به صورتی متفاوت از دیگر اعضای مردم از طریق دادن جای نشستن متمایز، این تجسم را در ذهن یک ناظر متعارف ایجاد می‌کند که آن مقام رسمی به دادگاه و فرآیندهای تصمیم‌گیری آن دسترسی ویژه دارد.

قاضی خارج از مسند قضاوت باید در میان مردم با خویشتن‌داری و حساسیت منطقی همانند زمانی که در مسند قضا است، رفتار کند، زیرا نشان دادن خلق و خوی غیر محتاطانه، فرآیندهای عدالت را تضعیف می‌کند و با شئون منصب قضایی ناسازگار است. قاضی نباید اجازه دهد خانواده‌اش، روابط اجتماعی یا سایر روابط وی، به طور نادرستی

رفتار قضایی و رأی او را به عنوان قاضی، تحت تأثیر قرار دهند. وی نباید از اعتبار منصب قضایی برای پیشبرد منافع شخصی خود، عضوی از خانواده یا هر فرد دیگری استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد، همچنین نباید به این گمان دامن بزند یا به دیگران اجازه دهد تا به آن دامن بزنند که هر فردی که در یک جایگاه ویژه قرار دارد، به طور نادرستی قاضی را در انجام وظایف قضایی تحت تأثیر قرار دهد. اطلاعات محرمانه کسب شده توسط قاضی در مقام رسمی قضاوت، نباید برای مقاصدی که مرتبط با وظایف قضایی نیست به کار برده شود یا افشا گردد (شاه‌حیدری‌پور، همتی، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۱۶).

در نظام حقوقی ایران، رفتار صحیح تا حدود زیادی مترادف و منطبق با رفتار مطابق شأن قضایی دانسته می‌شود. تبصره ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات، انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند را رفتار خلاف شأن قضایی دانسته است. همچنین آئین‌نامه قانون مزبور در ماده ۱۲ عمل خلاف عرف مسلم قضات را چنین تعریف کرده است: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب تخفیف جایگاه قاضی یا ایجاد بدبینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی گردد؛ مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخویی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمعارف در ملاء عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده، وکلا یا کارشناسان، هم‌نشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوء شهرت هستند. همچنین به موجب بند ۴ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد. در قانون نظارت بر رفتار قضات وظیفه ارزشیابی رفتار قضات و تحقیق در اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شأن قضایی با رعایت حریم خصوصی آنان بر عهده دادسرای انتظامی قضات است. در خصوص حفظ شأن منصب قضایی بخشی از یکی از آراء دادگاه عالی انتظامی قضات بدین مضمون جالب توجه است: «...تعقیب کیفری و بازداشت منشی مطب دکتر با دستور قاضی دادگستری به عنوان عدم ویزیت همسرش توسط مطب مذکور مغایر با شئون شغل شریف قضا بوده و مدافعات نامبرده دایر بر اینکه

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در ... ۳۰۳

«تا جایی که حضور ذهن دارد شکوائیه همسر خود را جهت تحقیقات مقدماتی به اداره آگاهی ارسال و منشی مطب پس از دلالت به نیروی انتظامی با گذشت این جانب از حق خویش و بدون تشکیل پرونده آزاد شده» مؤثر در مقام تشخیص داده نشد. با توجه به مراتب نامبرده را به استناد ماده ۲۴ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به تنزل یک پایه قضایی محکوم می نماید...» (کریم زاده، ۱۳۸۶:۲۰۱).

۶.۵. برابری^۸

مراد از این اصل رسیدگی به دعاوی همه اشخاص در دادگاه بر پایه قواعد دادرسی عادلانه و بدون کمترین تبعیض است. تضمین برابری رفتار با همگان نزد دادگاهها، برای اجرای شایسته مسئولیت قضایی اساسی است. قاضی باید ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که تضمین می کند «همه افراد نزد دادگاهها برابر هستند» و ماده ۲ آن مبنی بر حق هر فرد نسبت به دادرسی عادلانه را بدون هیچ گونه تمایزی از هر نوع در مورد رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و خاستگاه ملی یا اجتماعی به رسمیت بشناسد. وی باید وظایف قضایی را با توجه شایسته به همه افراد، از جمله دو طرف دعوی، شاهدان، وکلاء، کارمندان دادگاه و همکاران قضایی، بدون تمایز قائل شدن، بر اساس هرگونه زمینه نامربوطی که در اجرای درست چنین تکالیفی بی اهمیت است، انجام دهد. (شاه‌حیدری پور، همتی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

قانونگذار بدون احساس نیاز به بیان و تشریح این موضوع؛ به طور غیرمستقیم و ناکافی، چهارچوبی ناقص از آن را ترسیم نموده است. اعتقاد به این ارزش و عملیاتی نمودن آن، سنگ بنای یک تصمیم‌گیری عادلانه است. برابری و دادرسی برابر در بند ۱۴ اصل سوم (تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) و اصل سی و چهارم (دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد) قانون اساسی اشاره شده

و در ماده دوم قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد تأکید قرار گرفته است: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار میگیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

بر اساس سند بنگلور، رعایت ارزش برابری به کارمندان و افراد تحت سرپرستی قاضی نیز تعمیم یافته است در حالی که در نظام حقوقی ایران این موضوع صرفاً ناظر به عملکرد قاضی در قالب تشریفات دادرسی است.

۶.۶. شایستگی و پشتکار^۹

شایستگی و پشتکار، پیش شرطهای اجرای درست مسئولیت قضایی است. رسیدگی هوشیارانه، تصمیم‌گیری بی‌طرفانه و اجرای بی‌غرضانه قانون همگی جنبه‌هایی از پشتکار قضایی هستند. شایستگی در اجرای وظایف قضایی، مستلزم دانش حقوقی، مهارت، آگاهی کافی از نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. قاضی باید اقدامات متعارفی را برای حفظ و ارتقاء دانش، مهارت‌ها و ویژگی‌های فردی خود که برای اجرای شایسته تکالیف قضایی ضروری است، اتخاذ کند و بدین منظور از امکانات آموزشی و سایر امکاناتی که بایستی برای قضات قابل دسترس باشد، بهره‌گیرد. قاضی نباید درگیر رفتاری شود که با انجام سخت‌کوشانه تکالیف قضایی ناسازگار است. وظایف قضایی یک قاضی بر همه فعالیت‌های دیگر اولویت دارد و او باید این وظایف را به طور مؤثر، عادلانه و با سرعت معقول انجام دهد (شاه‌حیدری‌پور و هم‌تیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۴۴).

در خصوص شایستگی و پشتکار به طور غیرمستقیم مواردی قابل ذکر است. از جمله اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. جرم انگاری امتناع از انجام وظایف قانونی و استنکاف از احقاق حق در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در ... ۳۰۵

بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ که استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی را در عداد تخلفات انتظامی بر شمرده، بیانگر اولویت وظیفه قضایی قاضی بر سایر فعالیت‌های وی است.

در ماده ۱۱ قانون نظارت بر رفتار قضات، یکی از وظایف و اختیارات دادسرا، پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی یا عملی برجسته به رئیس قوه قضاییه بیان شده است؛ اما خدمت علمی و عملی برجسته تعریف و تعیین مصداق نشده است.

دامنه وسیع پرونده‌های تحت رسیدگی و آمارگرایی حاکم در پرتو توجه به کمیت کار و روزمرگی ایجاد شده، عملاً مجال و انگیزه‌ای برای افزایش دانش در خصوص طیف گسترده‌ای از قضات باقی نگذاشته است. با توجه به فعالیت گسترده قضات و لزوم آگاهی از آخرین تحولات حقوقی بین‌المللی، شایسته است معاونت امور بین‌الملل قوه قضاییه، اسناد بین‌المللی قابل استناد در نظام حقوقی داخلی را با ترجمه فارسی ارائه نماید. (صادقی، ۱۳۹۰: ۳۳).

در مقام تحلیل و ارزیابی کلی قانون نظارت بر رفتار قضات که در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۷ در ۵۶ ماده به تصویب رسیده است می‌توان گفت این قانون تنها به ضمانت اجرای انتظامی برخی سوء رفتارهای قضایی، تشریح و درجه‌بندی آن‌ها، صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات و آئین دادرسی حاکم پرداخته است بی‌آنکه بیانگر قواعد رفتاری قضات به سبک مجموعه‌های ملی رفتار قضایی باشد و بیشتر تلاشی در جهت تنقیح و تدوین مقررات پراکنده مرتبط با نظارت بر رفتار قضات است. البته باید اشاره کرد که قانون مزبور به صورت پراکنده لزوم رعایت برخی استانداردهای بین‌المللی رفتار قضایی نظیر نزاکت، بی‌طرفی و سلامت را مورد توجه قرار داده است. به عنوان مثال قانون مزبور، سوء رفتارهایی نظیر بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن، اهمال در انجام وظیفه، رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن، خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی، پذیرفتن هرگونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیرمعارف به اعتبار جایگاه قضایی و رفتار خلاف شأن قضایی را در زمره تخلفاتی برشمرده است که دارای مجازات انتظامی است.

۷. برآمد

تفاوت نظام‌های حقوقی و قضایی کشورها مانع از پذیرش عمومی قواعد و استانداردهای رو به توسعه در زمینه رفتار قضایی نشده است؛ تضمین استانداردهای رفتار قضایی در نظام‌های قضایی مختلف صورت‌های متفاوت دارد؛ اما به رغم وجود تفاوت‌ها، طی دهه‌های گذشته و متعاقب مواجهه نظام‌های قضایی با چالش‌های مختلفی نظیر فساد، بی‌اعتمادی عمومی به دستگاه قضایی، شماری از معیارهای اساسی در سطح بین‌المللی تبلور یافته و مورد پذیرش عمومی واقع شده که مهم‌ترین آن‌ها اصول رفتار قضایی بنگلور به‌عنوان محصول تجربه نظام‌های قضایی مختلف دنیا از همه نظام‌های حقوقی دنیا از جمله اسلام است؛ نه تنها برخی از کشورها اصول بنگلور را پذیرفته‌اند، بلکه برخی دیگر، جهت دستیابی به نظام قضایی توسعه‌یافته و همگام با الگوهای پیشرو جهانی کدهای رفتار قضایی خویش را بر اساس اصول بنگلور تدوین نموده‌اند. از جمله این کشورها، کشور آمریکا است که نه تنها برای قضات بلکه برای کارمندان قضایی خود نیز مجموعه‌های رفتار قضایی را تدوین نموده است. البته این بدین معنا نیست که این اصول به طور یکسان در همه قلمروهای ملی اجرا می‌شود، بلکه ممکن است برحسب تفاوت‌های موجود در نظام‌های قضایی ملی، شیوه اعمال این استانداردها متفاوت باشد. با وجود این، کارکرد معیارهای شناخته شده در قلمروهای مختلف یکسان است؛ ارتقاء اثربخشی و کارآمدی نظام قضایی از یک طرف و افزایش اعتماد عمومی به سلامت دستگاه قضایی کارکردهای منطقی این معیارها است. نظام قضایی ایران از لحاظ وجود سندی که مبین ارزش‌های حاکم بر رفتار قضایی باشد (هم قضات و هم کارمندان و هم ساختار دستگاه قضایی را با هم مدنظر داشته باشد) با خلأ مواجه است. با این وصف می‌توان مبنای تدوین منشور جامع رفتار قضایی را اصل ۱۶۳ قانون اساسی دانست که مقرر داشته است: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود». متون فقهی به طور مبسوط به قواعد رفتاری قضات پرداخته است و این مهم حتی در ضمیمه سند بین‌المللی اصول رفتار قضایی بنگلور به طور مجزا در آئین اسلام مطرح شده است. این در حالی است که در اسناد راهبردی نظام قضایی از جمله سند

مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در ... ۳۰۷

چشم‌انداز قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی قضایی و برنامه‌های پنج‌ساله قوه قضائیه با عبارت گوناگون به حفظ و ارتقاء استقلال و منزلت قضات اشاره شده است. از این رو به نظر می‌رسد برای نیل به هدف مذکور اولاً شناسایی استانداردهای رفتاری که هم قضات و هم کارکنان قضایی (کارمندان قوه قضائیه) باید رعایت کنند و ثانیاً یک سازوکار رسمی یا غیررسمی، به منظور اطمینان از اینکه این استانداردها رعایت می‌شوند، ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

- ¹. Code of Conduct for United States Judges, available in: <http://www.uscourts.gov/judges-judgeships/code-conduct-united-states-judges>, last visited: 2017/07/08.
- ². Code of Conduct for Judicial Employees, available in: <http://www.uscourts.gov/rules-policies/judiciary-policies/code-conduct/code-conduct-judicial-employees>, last visited: 2017/07/08.
- ³. The Code of Judicial Ethics for Judges of the People's Republic of China, available in: http://www.deontologie-judiciaire.umontreal.ca/fr/magistrature/documents/Code_chinois.pdf, last visited: 2017/07/08.
- ⁴. Independence
- ⁵. Impartiality
- ⁶. Integrity
- ⁷. Propriety
- ⁸. Equality
- ⁹. Competence and Diligence

منابع

الف. فارسی

- ادیبی مهر، محمد (۱۳۸۹)، *سلوک دادرسی در فرهنگ و تمدن اسلامی (اخلاق حرفه‌ای قضاء)*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امینی، علیرضا و آیتی محمدرضا (۱۳۹۲)، *تحریر الروضه فی شرح لمعه: فقه استدلالی* ترجمه سید مهدی دادمرزی، قم: انتشارات کتاب طه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد نخست، تهران: گنج دانش
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۹۳)، *راهنمای مرجع تقویت*

- سلامت و توانمندی قضایی، ترجمه حسن و کیلیان، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- ساکوچی، آندرا (۱۳۸۲)، **حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه**، برگردان: مینا سینیور، تهران: وزارت امور خارجه
- صادقی پرشگفتی، مهدی رضا (۱۳۹۰)، «تبیین ارزشها در جامعه قضایی ایران در مقایسه با اصول بنگلور»، **تعالی حقوق**، شماره های ۱۳ و ۱۴، ۳۸-۱۴.
- فرحزادی، علی اکبر (۱۳۷۹)، «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی** (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰.
- شاه‌حیدری پور، محمدعلی؛ همتی، مجتبی (۱۳۸۹)، **شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)**، تهران: خرسندی.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۴)، **قضاوت‌های حضرت علی (ع)**، برگردان: محمدعلی شیخ، تهران: کتابخانه صدر.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، **دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کریم زاده، احمد (۱۳۸۶)، **آراء دادگاه‌های عالی انتظامی قضاوت در امور کیفری**، تهران: میزان.
- مهاجرى، محمد (۱۳۹۱)، **کلیات قضا و قضاوت**، تهران: انتشارات خرسندی.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۵)، **قضاوت در اسلام (۱): قضاوت و قاضی**، قم: انتشارات خانه خرد.

ب. عربی

- حلی، جعفر (۱۳۸۹)، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، جلد چهارم، نجف: مطبعه الآداب.

ج. لاتین

- Code of Conduct for United States Judges:
<http://www.uscourts.gov/judges-judgeships/code-conduct-united-states-judges>, last visited: 2017/07/08.
- Code of Conduct for United States Judicial Employees:
<http://www.uscourts.gov/rules-policies/judiciary-policies/code-conduct/code-conduct-judicial-employees>, last visited: 2017/07/08.
- Code of Judicial Ethics for Judges of the People's Republic of China, available in: http://www.deontologie-judiciaire.umontreal.ca/fr/magistrature/documents/Code_chinois.pdf, last visited:
- MacKay, A. Wayne., (1995), “**Judicial Ethics: Exploring Misconduct and Accountability for Judges**”, Report to the Commonwealth Judicial Education Institute,
- Mayne, Greg. , (2007), “Judicial integrity: the accountability gap and the Bangalore Principles”, in: transparency international global corruption report,
http://www.baselgovernance.org/fileadmin/docs/pdfs/Publications/GCR_Chapter_3_final.pdf, last visited: 2017/07/08.
- Opinion no. 3 of the Consultative Council of European Judges (CCJE) to the attention of the Committee of Ministers of the Council of Europe on the principles and rules governing judges’ professional conduct, in particular ethics, incompatible behavior and impartiality November 2002,
http://www.coe.int/t/dghl/monitoring/greco/evaluations/round4/CCJE%20Opinion%203_EN.pdf, last visited: 2017/07/08.
- Sackville, Ronald. , (2009), “**Judicial Ethics and Judicial Misbehaviour: Two Sides of the One Coin?**” The Journal of Law and Social Justice, Vol. 3, Art 6.
- Terhechte, Jörg Philipp., (2009), “**Judicial Ethics for a Global Judiciary—How Judicial Networks Create their own Codes of Conduct**”, German Law Journal, Vol. 10 No. 04.
- Thomas, J.B., (1988), "Judicial Ethics in Astralia", Sydney, Law Book Company.
- United Nations Office on Drugs and Crime, (2007), Commentary on the Bangalore Principles of Judicial Conduct,
http://www.unodc.org/documents/corruption/publications_unodc_commentary-e.pdf, last visited: 2017/07/08.
- Van Dijk, Pieter. (1983), “**the Right of the Accused to a fair trial under International Law**”, SIM Special no. 1.

Yuwen Li, "Professional Ethics of Chinese Judges", China Perspectives [Online], 47 | May-June 2003, Online since 19 September 2006, connection on 15 February 2016.

URL:<http://chinaperspectives.revues.org/274>, last visited: 2017/07/08.

